

دیلگانه

ماهنامه محلی کرمانشاه

بهمن ۱۴۰۳

قیمت ۳۰ هزار تومان





در ایران عزیز ما، روز ۱۵
تا ۲۲ اسفند ماه به عنوان
«هفته منابع طبیعی»
نامگذاری شده که
نخستین روز این هفته
یعنی ۱۵ اسفند «روز
درختکاری» است.

رنگ کن...

مدیر مسئول و صاحب امتیاز: عبدالله مرادی بلشتی / مدیر اجرایی: فرنگیس صفری

سر دبیر: پریسا وکیلی / مدیر هنری: فائزه مظفری / مدیر تحریریه: پیوند فرهادی

طرح جلد: فائزه مظفری / لیتوگرافی: حافظ / چاپ آزادگان

ویلکان شماره ۴۵ / تیراژ ۱۰۰۰۰ نسخه / قیمت ۳۰ هزار تومان

نشانی: کرمانشاه، خیابان مدرس، روبروی مسجد جامع، مجتمع ایران طبقه دوم واحد ۷۲

حق چاپ محفوظ است و برداشت از مطالب نشریه منوط به اجازه ی کتبی می باشد

۰۸۳-۳۷۲۹۲۴۲۹

@Wilkan_m

۰۹۱۹۹۱۷۷۱۳۴

Wilkanmagazine@gmail.com



دریا در انقلاب

دیروز مردم توی ش——هر
اندازه ی دریا ش——دند
آن ها چط——وری واقعا
توی خیابان جا ش——دند؟

من قاطی آن ها ش——دم
دریای آدم های ش——اد
یک بچه ی ک——وچک به من
یک پرچم خوش——رنگ داد

دیدم نوش——ته روی آن
عیدت مبارک انقلاب
آن را گرفتم روی س——ر
بالا به س——مت آفتاب

شاعر: منیره هاشمی
تصویرگر: زهرا منتظری



گفاره وه کول

درمیان مردمان گُرد، در روزگاران قدیم، افسانه‌ای نقل می‌شده که امروزه در شهرستان کرند غرب - دالاهو - کرمانشاه هنوز آن رانقل و آیین آن را به جامی آورند. آن‌ها بر این باورند که شب نوزدهم دی ماه یعنی ۱۲ روز مانده به آغاز بهار گُردی و به کوه رفتن پسر صیاد، مردمان گُرد آش دانه کولانه - که ترکیبی از حبوبات با مقداری نمک است را بار می‌گذارند. آن شب تا صبح اجاق خانه و چراغی از خانه روشن می‌ماند.

بعد از پخته شدن دانه کولانه کاسه‌ای از آن را بر روی یکی از طاقچه‌های خانه می‌گذارند. این کاسه مخصوص مهمان اُسطوره‌ای آن شب گفاره وه کول (زن گهواره به دوش) است. مردم معتقدند که گفاره وه کول می‌آید و از آن آش می‌خورد. صبح که می‌شود کاسه آش را می‌آورند و به دیگ آش اضافه و آن را مخلوط می‌کنند. سپس این نذری را که باعث برکت در محصولات کشاورزی، رزق و روزی و پیام آور زایش و رویش است را بین اهالی توزیع می‌کنند. مردم فردای آن شب را جشن می‌گیرند که مقدمه‌ای برای فرا رسیدن نوروز است. این آیین به شماره ۲۷۸۰ در سال ۱۴۰۱ در فهرست میراث فرهنگی ناملموس ایران ثبت شده است.

نویسنده: عبدالله مرادی

تصویرگر: فاطمه موسوی راد



رووژ وه حدهت

بــــیس و هه فــــتم ره جه و
خودا فریشــــتیگ کل کرد
مامهـد (ص) لــــه قار حــــه را
ئه و شــــه وه پیغه مهـر کرد

دین ئســــلام وه دی هات
رووشــــنی جو خوهـر هه لات
خوســــه له دلماـن چی
خوهشــــی په خش بی له ولات

مامهـد (ص) ره ســــول خوداس
گشــــتمان دووسی دیریم
شــــیعه و ســــونی وهل یه ک
عهـید مهـبعهـس جه ژن گیــــریم

مهـبعهـس رای شــــیعه و ســــونی
رووژ خــــه وهش وه حدهـته
خوهشــــیم و ئاواز خوهـنیم
لــــه دهـت بهیم وهی نعمهـته

شاعر: زهره پناهی
تصویرگر: طاهره سعیدی



خدا فرشته‌ای فرستاد
محمد(ص) در غار حرا
آن شب به پیغمبری رساند

دین اسلام متولد شد
روشنی مثل خورشید طلوع کرد
غصه‌ها از دلهایمان رفت
شادی تمام شهرها را پر کرد

محمد(ص) رسول خداوند است
همه دوسوتش داریم
شیعه و سونی با همدیگر
عید مبعث را جشن می‌گیریم

عید مبعث برای شیعه و سونی
روز خوب وحدت است
شاد هستیم و آواز می‌خوانیم
از این نعمت لذت می‌بریم

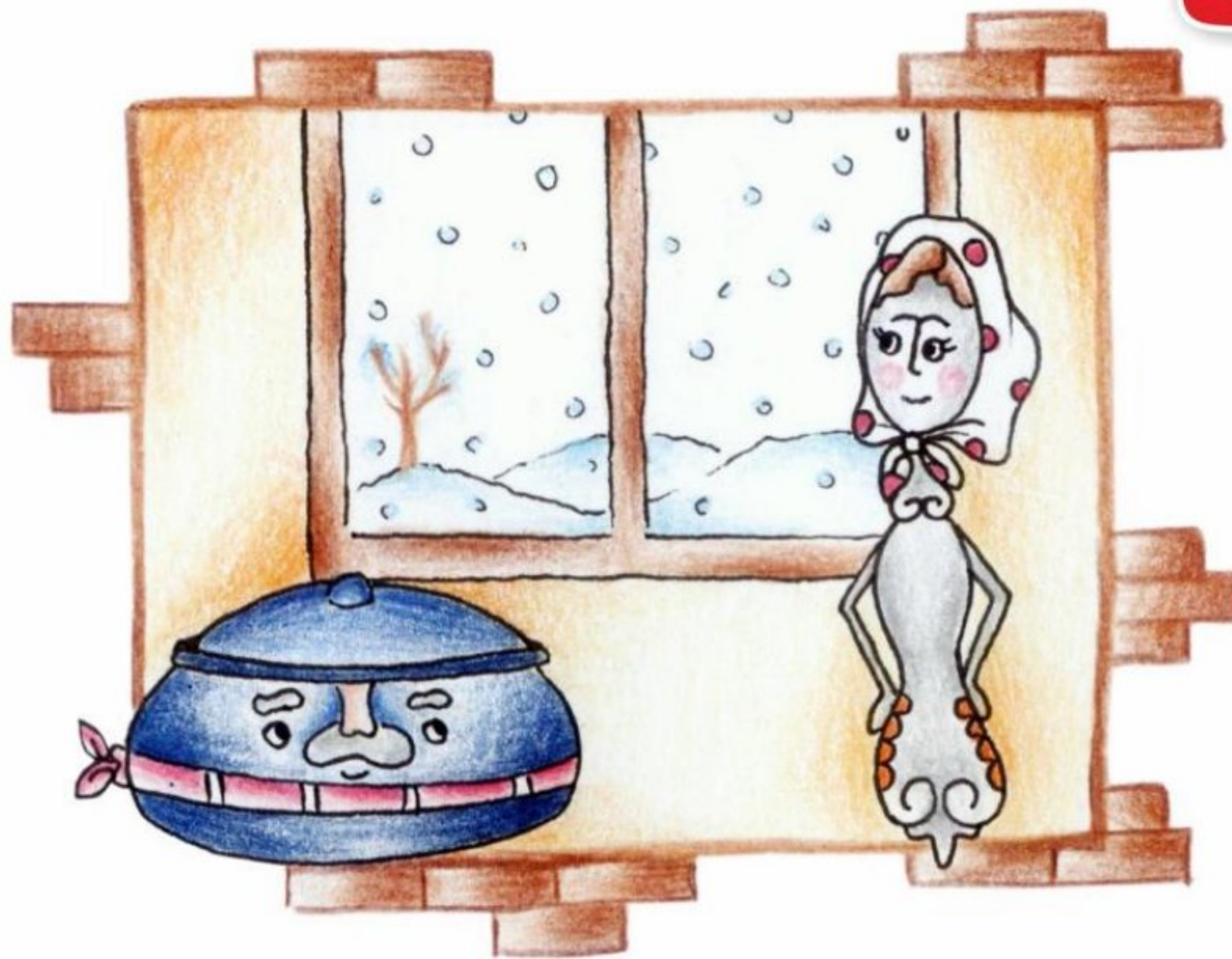
ماهنامه محلی کودک ویلکان ۷

عید مبعث برای شیعه و سونی
روز خوب وحدت است
شاد هستیم و آواز می خوانیم
از این نعمت لذت می بریم

تیان و چمچک

گنم و شیر

کرمانشاه: شهر فلاق خوراکی یونسکو



چمچک در حالی که از پنجره آشپزخانه پایین آمدن رقص کنان دانه‌های برف برای نشستن بر زمین را تماشا می‌کرد، با خودش زمزمه می‌کرد:

گل و نوشه با خانمی شو چرای دیوا خانمی که تیان آمد نزدیک و گفت: چه داری می‌گی؟ چرا ترانه به این زیبایی را خراب مکنی؟!

چمچک گفت: بفرمایید چرا خرابش کردم؟! تیان گفت: توی این ترانه شاعر میگه: گل و نوشه‌ی با خانمی یعنی تو گل بنفشه باغ‌های من هستی و شوچره‌ی دیوا خان من هستی.

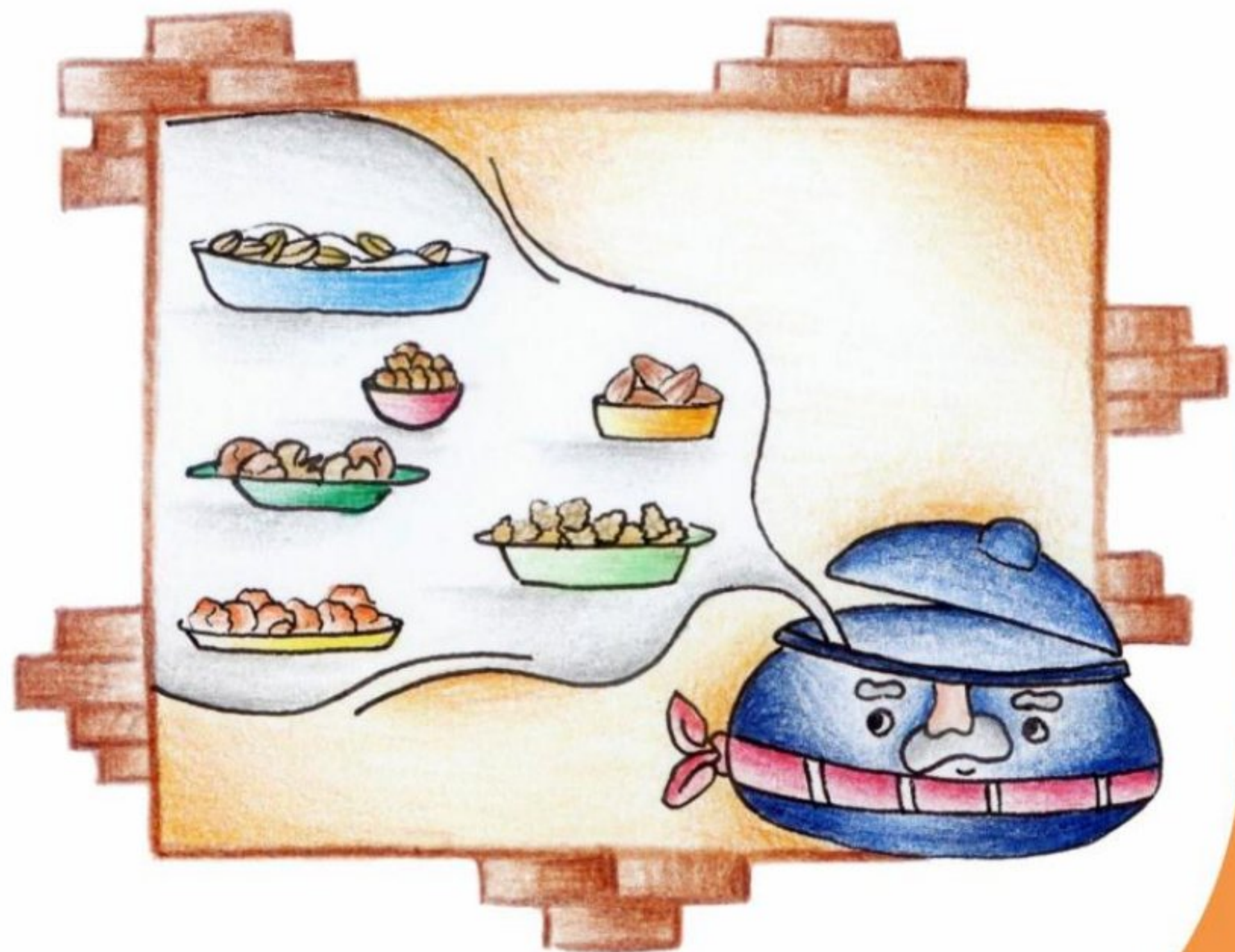
چمچک گفت: نه خیر میگه شب‌ها چراغ خانه من هستی اصلاً شوچره چیه؟

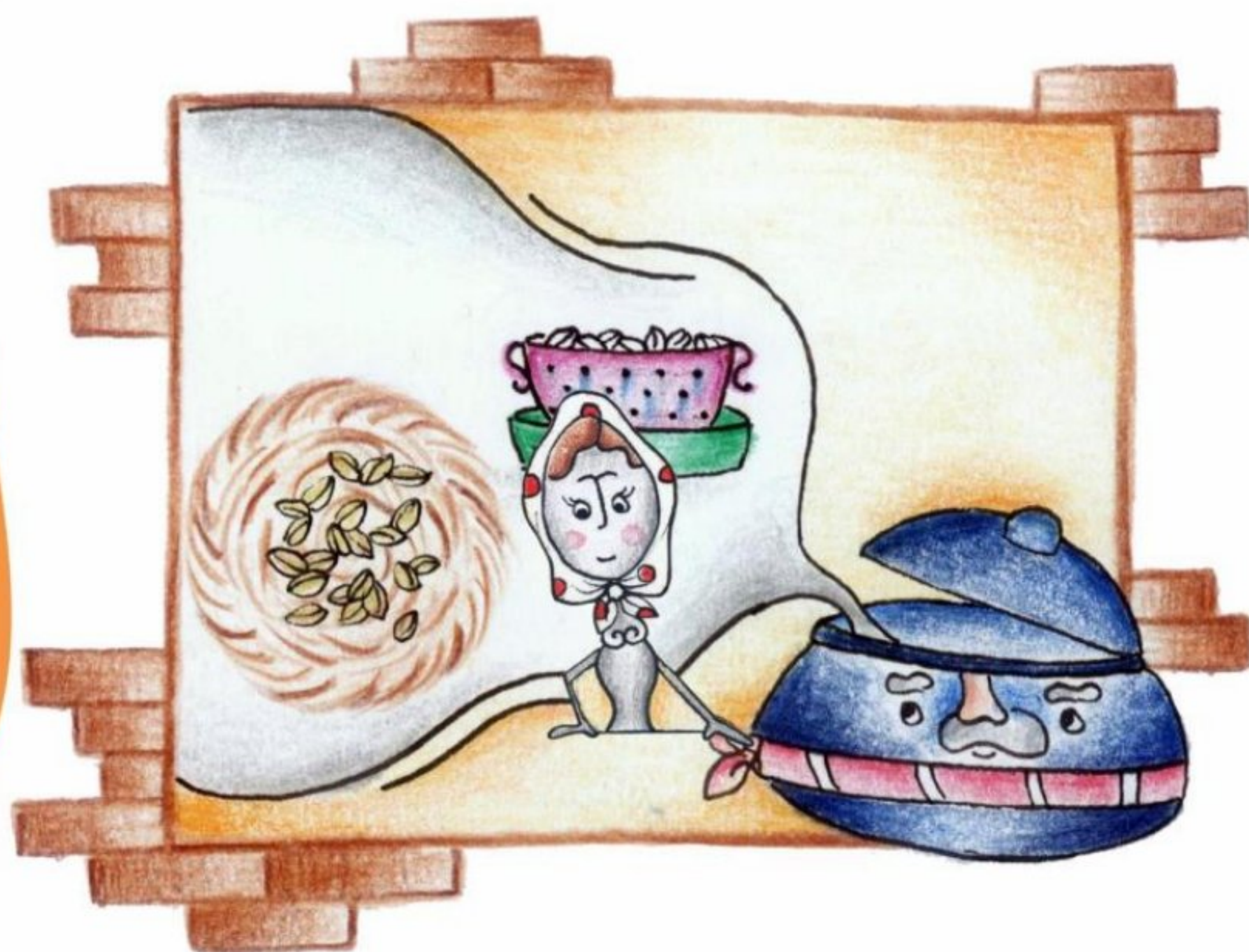
تیان گفت: شه و چره به تنقلاتی گفته میشه که مردم در شب نشینی‌های زمستانی می‌خورند.

چمچک گفت: پس من فکر می‌کردم میگه شب چراغ خانه من هستی. حالا این شوچره چه بوده؟

تیان گفت: مردمان کرد همچون دیگر نقاط ایران از محصولات کشاورزی که قابلیت خشک کردن یا فرآوری داشت به عنوان تنقلات یا مواد غذایی در زمستان استفاده می‌کردند.

این تنقلات که شامل: گردو، بادام، کشمش، توت خشک، گندم و شیر، برگ قیصی و ... بود برای سرگرم شدن و خوردن در شب‌های بلند زمستان استفاده می‌شد.

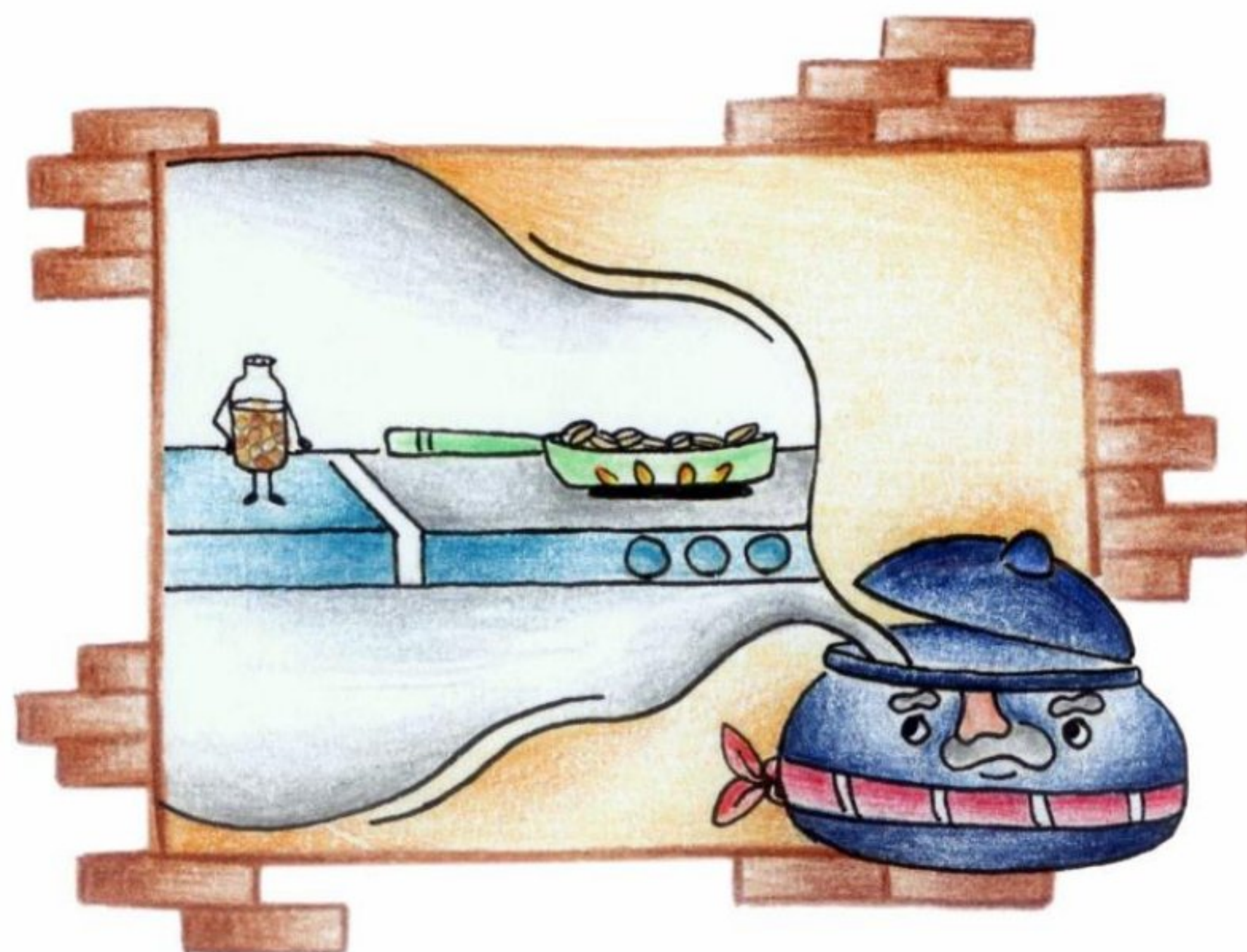




چمچک گفت: همه این‌هایی که گفتی درست ولی
داستان اون گندم و شیر چیه؟

تیا ن گفت: برای تهیه دانه برشیای، یا گندم و شیر (گنم و
شیر) گندم پاک شده را داخل شیر می‌ریزیم مقداری
نمک به آن اضافه کرده و بعد از دو الی سه روز آن را از
آبکش رد می‌کنیم. بعد آن را روی «تک چوبی» بافته
شده با ارغوان و یا پارچه پهن می‌کنیم تا خشک شود.

سپس گندم‌های خشک شده را با حرارت خیلی ملایم
بو می‌دهیم تا گندم و شیر آماده خوردن شود.
برخی هم برای خوشمزه تر شدن دانه‌ها شاه‌دانه بو داده
را به گندم و شیر اضافه می‌کردند.
چمچک گفت: چه خوب! حالا بیا یاد درستش کنیم که
توی این زمستان می‌چسبه.



نویسنده: عبدالله مرادی

تصویرگر: نیلوفر الماسی تبار





آراد و چراغ های رنگی

یک روز آراد با پدر بزرگش به بازار رفت. وقتی به بازار رسید تا چشمش کار می کرد همه جا با چراغ ها و کاغذهای رنگی رنگی زیبا شده بود. چراغ ها مدام به او چشمک می زدند. چراغ سبز، قرمز، آبی و زرد به نوبت چشم هایشان را می بستند و با آراد بازی می کردند. آراد هم شروع کرد به چشمک زدن و برای چراغ ها و کاغذهای رنگی دست تکان داد و گفت: سلام، شما چقدر قشنگین، کی شما رو آورده اینجا؟! چراغ زرد لبخند زان گفت: سلام، مگه خبر نداری امروز نیمه شعبانه، تولد امام زمان! به همین خاطر ما به شهر اومدیم و شهر زیبا شده. آراد من من کنان گفت: امام زمان کیه؟! چراغ زرد به آرامی گفت: امام زمان همون امام دوازدهم شما شیعیان حضرت مهدی (عج) است. یه مرد خوب و مهربون و فرزند امام حسن عسگری که از همون زمان کودکی به اذن خدا از نظر ها پنهان شده تا از آسیب دشمنانش محفوظ بمونه.



ما به این دوران می گیم دوران غیبت؛ یعنی: ما نمی تونیم امام زمان رو ببینیم. اما ایشون ما رو می بینن و به کارهای ما آگاه و به لطف خدا یک روز ظهور می کنن.

آراد سرش را با تعجب تکان داد و گفت: پس کی می تونیم امام زمان رو ببینیم؟! چراغ زرد جواب داد: هر وقت که ظهور کنه ما می تونیم ببینیمش تازه با اومدنش همه جا زیبا میشه و همه آدمها خوشحال میشن و شهر هم پر میشه از ما چراغا و کاغذ رنگیا. اون بیشتر و بهتر از هر ابر قهرمانی، دنیا رو نجات میده.

آراد قهقهه خندید و گفت: پس منم خوشحال میشم. حالا چیکار کنیم تا امام زمان زود زود بیاد؟!

این بار چراغ سبزه جواب داد و گفت: آراد جونم هر وقت دعا می کنی با قلب پاکت از خدا بخواه تا امام زمان زودتر بیاد تا دنیا پر از خوبی بشه.

آراد گفت: باشه پس منم دعا می کنم تا امام زمان زود بیاد و دنیا پر از خوبی بشه و همه خوشحال بشن.
چراغ زرد گفت: آراد عزیزم، در قلب هر کدوم از شما انسانها چراغی هست مثل ما. اما اون چراغ با یاد خدا و انجام دادن کارهای خوب روشن می شه. هرچه آدمهای بهتر و مهربون تر و آگاه تر زیاد تر بشن، تعداد چراغ های روشن بیشتر میشه و جهان روشن و روشن تر میشه و شرایط برای ظهور امام زمان زودتر آماده می شه.

نویسنده: زهره پناهی
تصویرگر: نرگس امیری



راه‌های جلوگیری از یخ‌زدگی کنتور و لوله‌های آب در زمستان

سلام بچه‌های عزیز! توی زمستان و فصل سرما برای جلوگیری از یخ‌زدگی کنتور و لوله‌های آب منازل باید یه سری کارها را شما با کمک بزرگترها انجام بدید

آب ساختمان‌هایی
که کسی در آنجا زندگی نمی‌کند
را قطع و آب داخل لوله‌ها را خالی می‌کنید.

حوضچه و کنتور آب را به وسیله پشم شیشه،
گونی، پوشال کولر، پتو و کیسه‌های خاک اره عایق کرده
و درپوش مناسب برای حوضچه کنتور تعبیه نمایید.

لوله‌های روکار و لوله‌های
در معرض سرما را به وسیله پشم شیشه
عایق بندی کنید.



اگر به وقت کنتور و لوله های آب منازل یخ زد باید این کارهایی که پایین گفتیم را انجام بدید!

در زمان بروز یخبندان از انجام مواردی مانند:
استفاده از حرارت مستقیم، روشن کردن آتش در حوضچه
و ریختن آب جوش بر روی کنتور و لوله های یخ زده خودداری نمایید.

در صورت شکستگی کنتور خیلی سریع
با شماره ۱۲۲ تماس بگیرید و به شرکت
آب و فاضلاب اطلاع بدهید.

از آب ولرم،
حرارت غیر مستقیم و سشوار
جهت رفع یخ زدگی لوله های
آب استفاده نمایید.

خواب نداره بخاری

وقتی سرما از راه می‌رسد
بخاری خواب ندارد
از صبح تلاش می‌کند
گرما از او می‌بارد

تب می‌کند و حالش بد می‌شود
مریض می‌شود و از هوش می‌رود
باید فکری برایش بکنیم
گاز را کم کنیم تا خوب شود

لباس گرم می‌پوشیم
تا سردمان نشود
بخاری جان بگیرد
هیچ وقت تب نکند

به اندازه نیاز
مصرف کنیم از گاز
هروقت گرممان شد
پنجره را باز نکنیم

لازم است برای بخاری
کلاهک ایمنی
با بودن بخاری در خانه
مثل دشت پر از چمنزاری

خه و نه‌پریدن بخاری

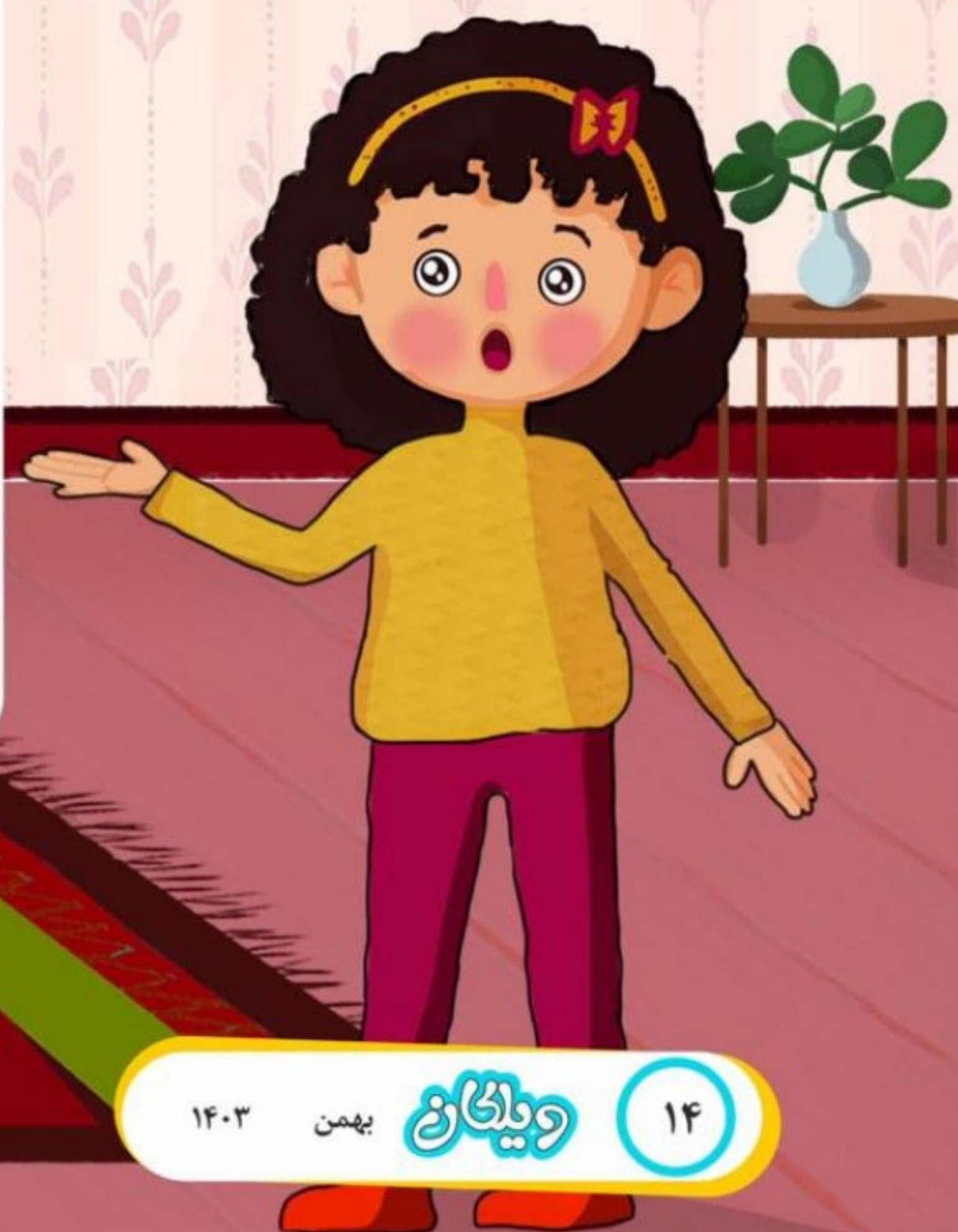
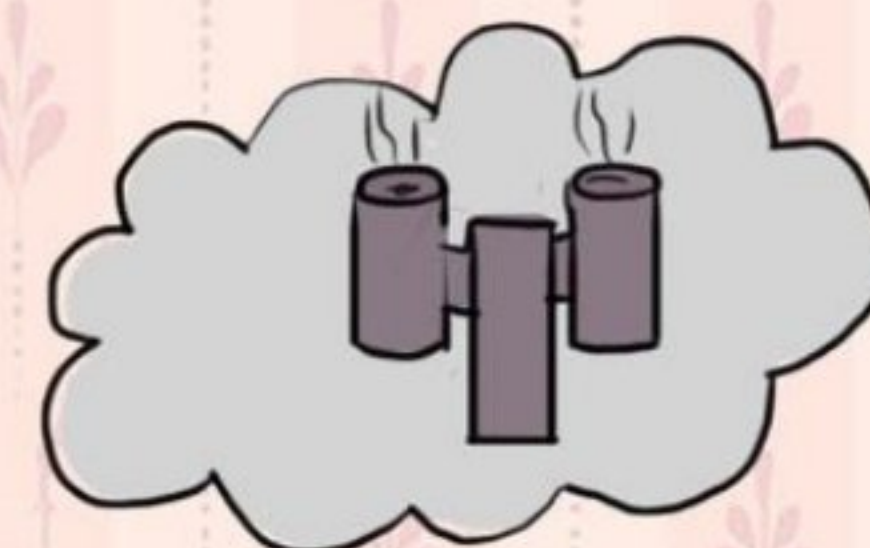
وه‌ختیگ سه‌رما وه ری تی‌د
خه و نه‌پریدن بخاری
وه سوب هه ته‌قه‌لا که‌ید
که‌رما وه‌لیه واری

ته و کیه‌ید حالی خرا و بوو
نه‌خوه‌ش که‌فید وه حال چوو
بایه‌د فکری رای بکه‌یم
گاز که‌م بق تا خاسه و بوو

لباس که‌رم که‌یمه وه‌ر
تا یه ک سه‌ردمان نه‌و
بخاری هاز بگره
دی هوچ وه‌خت نه‌که‌یدن ته‌و

وه ته‌نازه‌ی نیاز
مه‌سره‌ف بکه‌یمن وه گاز
هه‌ر وه‌ختیش که‌رممان بود
په‌نجه‌ریگ نه‌نیمه واز

لازمه رای بخاری
کلاهک ئیمنی
وه‌ل بخاری مال بق
جو ده‌یشت پر چیمنی



نویسنده: زهره پناهی
تصویرگر: الهام پورنظر



غول‌های دودی



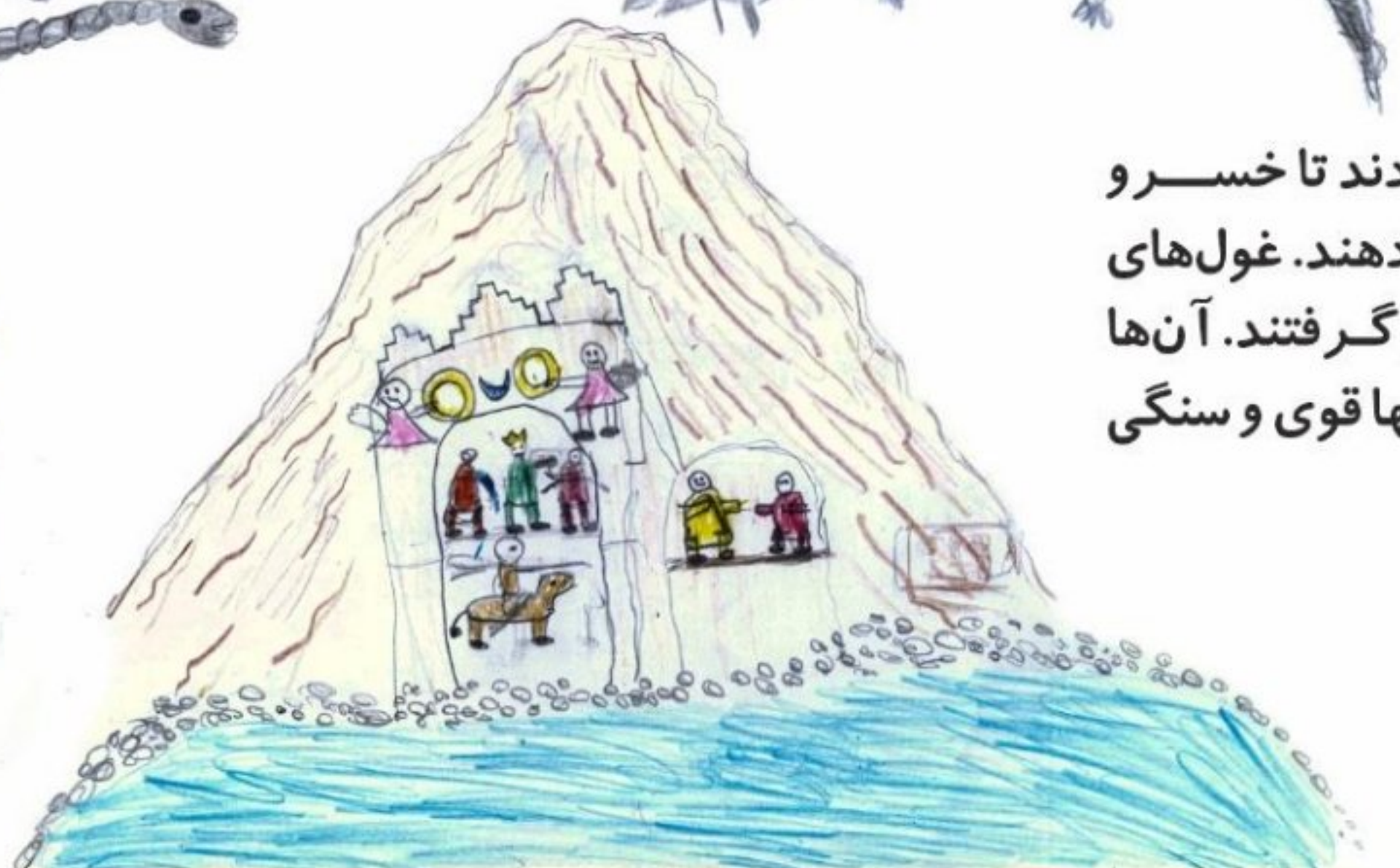
یکی از روزهای خوب خدا از بیستون به سمت کرمانشاه در حرکت بودیم. متوجه چیزی شدم؛ از دودکش بزرگی دود و از کنارش ابر بیرون می آمد. بابا گفت این نیروگاه است. دودهای خارج شده از نیروگاه به شکل موجوداتی جهش یافته در حال تسخیر کردن ابرها بودند.



در همان حال که به سمت کرمانشاه می رفتند با دودهای خروجی کارخانه‌ی سیمان، همدست شدند. آنها در راه از کارخانه‌های صنعتی آلوده نیرو جمع می کردند و قوی و قوی تر می شدند.

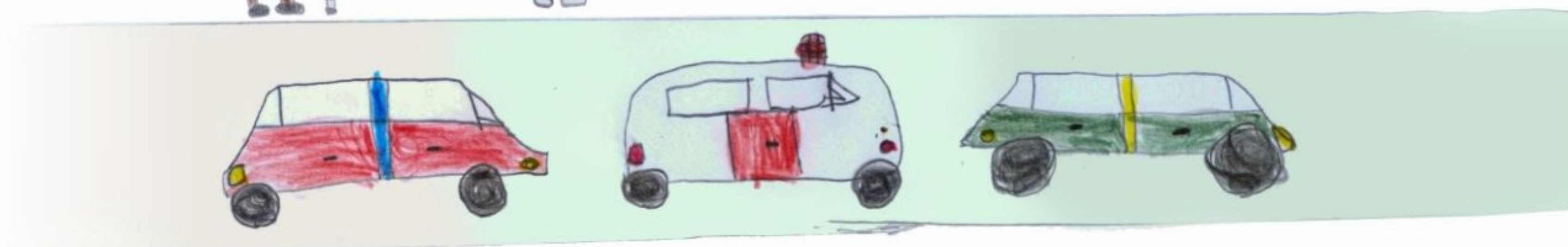


ابرهای آلوده به سمت طاق‌بستان حرکت کردند تا خسرو پرویز و افرادش را در طاق‌بستان شکست دهند. غول‌های دودی از دود آتش زدن زباله‌ها خوردند و نیرو گرفتند. آنها به طاق‌بستان حمله کردند، اما دیدند آنها قوی و سنگی هستند به همین خاطر عقب نشینی کردند.





غول‌های دودی به
آدم‌های پیر و بچه‌ها
حمله کردند و نفس
آنها را تنگ
می‌کردند.



تا این که بهار رسید، غول‌ها با باد جنگیدند و تعداد زیادی
از غول‌ها مردند. بعد از آن باران به آنها حمله کردند و
همه آنها را از بین برد.



نویسنده و تصویرگر: امیرمحمد مرادی - ۸ سالگی



داستان باربد...

چو رفتی به نزدیک او باربد
همش کار بد بود و هم بار بد
ندادی ورا بار سالار بار
نه نیزش بدی مردمی خواستار
بیامد به درگاه سالار بار
درم کرد و دینار چندی نثار



بدو گفت: رامشگری بر درست
که از من به سال و هنر برترست
نباید که در پیش خسرو شود
که ما کهنه گردیم و او نو شود

از قضا نوازنده‌ای در ایران بود که با یکی از درباریان دوست بود. نوازنده باربد بود و چنگ می‌نواخت. باربد با چنگ معجزه می‌کرد و هر شنونده‌ای را با صدای ساز خود جادو می‌کرد.

در زمان پادشاهی خسرو پرویز، هنر حال و هوای دیگری داشت. خسرو پرویز عاشق هنر به ویژه رامشگران و ظروف تزئینی و تجملات بود.

دوست باربد به او پیشنهاد کرد به بارگاه خسرو پرویز برو تا پادشاه را با صدای ساز خود شیفته کنی. باربد روزی به دیدن «سرکش» رئیس رامشگران دربار رفت.

سرکش وقتی صدای ساز باربد را شنید دیوانه وار به او رشک ورزید و به نگهبانان رشوه و پول داد تا اگر این نوازنده اجازه ورود خواست نگذارند به داخل بیاید.

بدو گفت که رامشگری بر در است که از من به سال و هنر برتر است نباید که در پیش خسرو شود که ما کهنه گردیم و او نو شود باربد بیچاره که از حسادت رامشگران دربار بی خبر بود دوباره و سه باره و چند باره اجازه ورود خواست اما هر بار ناامید و ناکام باز می گشت.

وقتی خدا بخواهد به کسی بزرگی دهد هیچکس نمی تواند جلوی این اتفاق را بگیرد. خسرو پرویز هر سال نوروز به باغی می رفت و در آن باغ دو هفته استراحت می کرد.

باربد با باغبان آن باغ که مردوی نام داشت دوستی دیرینه داشت. به سراغ مردویی رفت و به او گفت: تو که دوست من هستی اجازه بده تا روی شاه را ببینم جز این آرزویی ندارم. مردوی که باربد را به نیکویی می شناخت به او اجازه داد تا در باغ مخفیانه شاه را ببیند و شاد کام شود. باربد تصمیم عجیبی گرفت او در آن دیدار با لباس های سبز به باغ رفت حتی سازش را هم سبز رنگ کرد. بر بلندترین درخت سروی که نزدیک استراحتگاه شاه بود نشست هیچکس نمی توانست او و سازش را ببیند زمان آمدن خسرو پرویز به باغ فرا رسید.

چو خسرو همی خواست که آید به باغ

دل میزبان شد چو روشن چراغ

(پایان قسمت نخست)

گروه شاهنامه خوانی همایون
تصویرگر: رویا عبدالملکی

رامشگران:.....نوازندگان

چنگ:.....نوعی ساز

سرکش:.....نام رئیس نوازندگان دربار

رشک:.....حسادت

مردوی:.....نام باغبان



نقاشی های شما



علی اکبری ۹ ساله



مایا مظفری ۸ ساله



نفس کریمی ۹ ساله



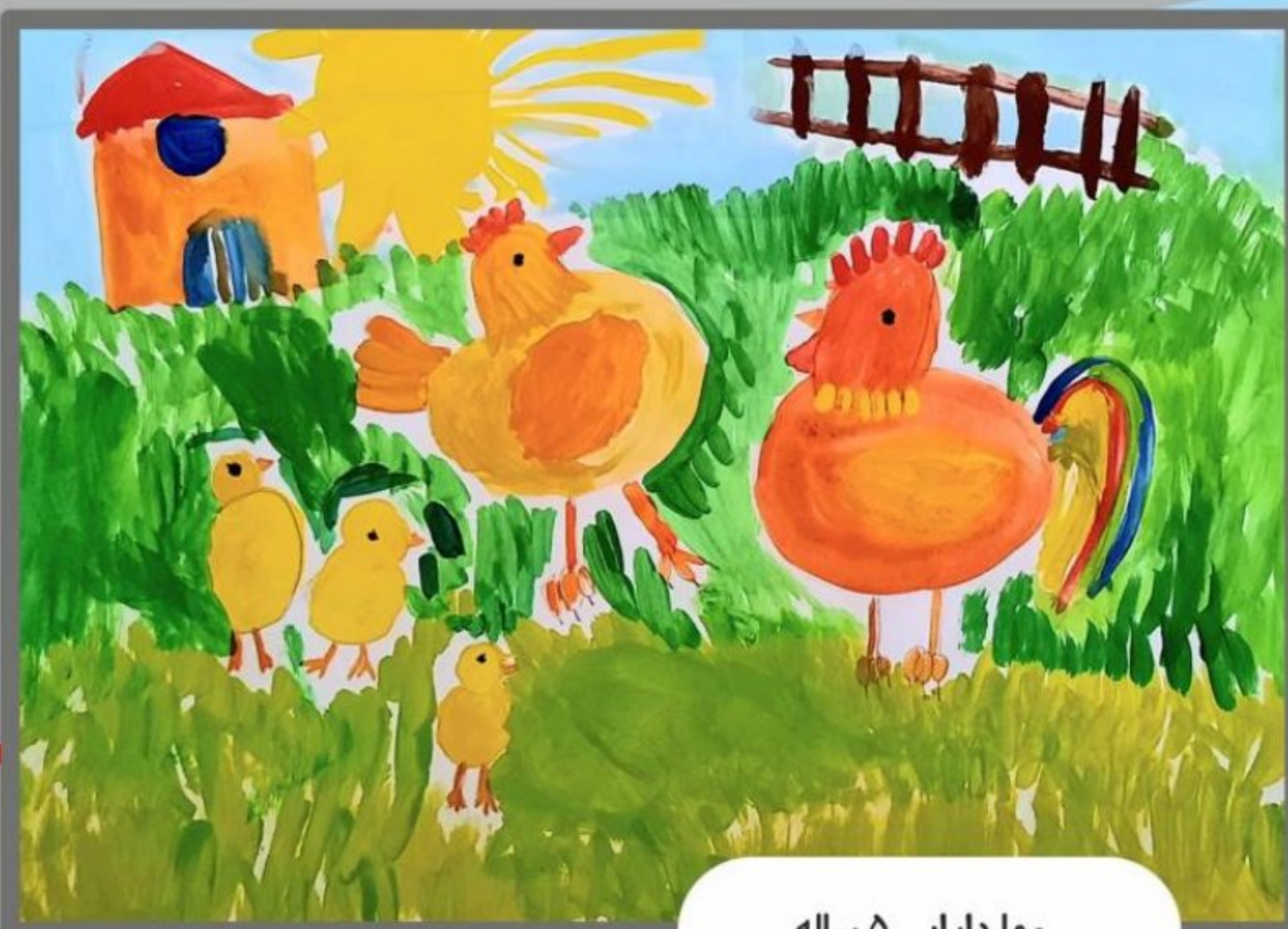
یامین حیدری ۸ ساله



دل آرام سعیدی ۹ ساله



آنیسا خالوندی ۸ ساله



مها دارابی ۵ ساله



ستاره الفتی ۱۱ ساله

تولدت مبارک



مهرسا و دُرسا مهرورز
دو خواهر دوست داشتنی



نینا دانلپ
مهمان ویژه ی ویلکان از فلوریدا



فاطمه بهرامیان



جدول

سلام بچه های عزیز!
جدول زیر رو کامل کنید.



افقی

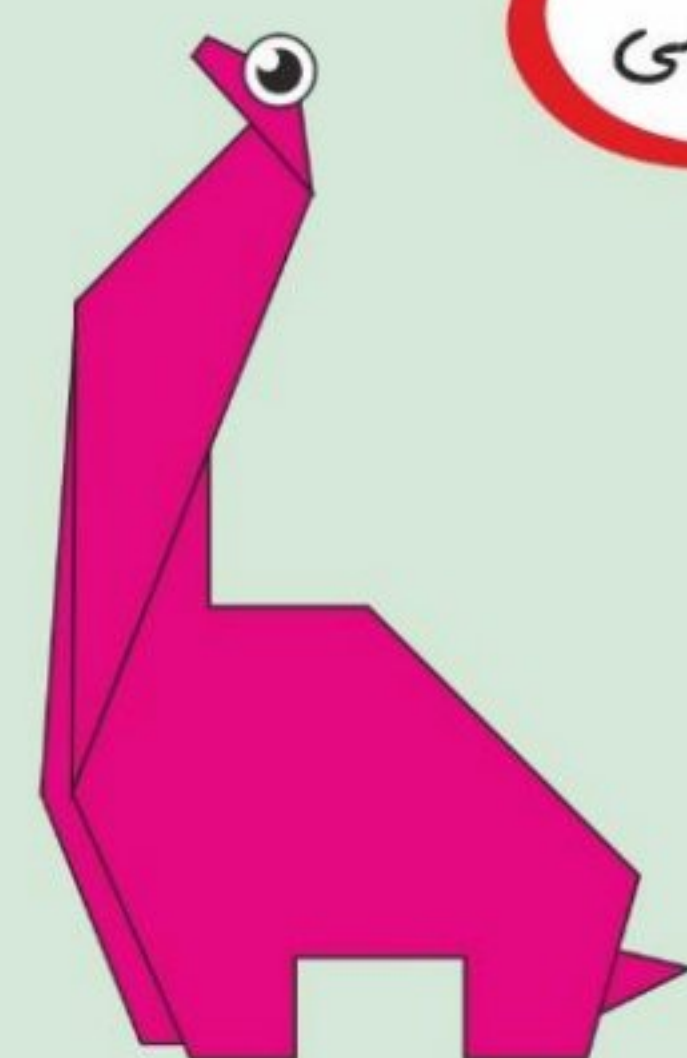
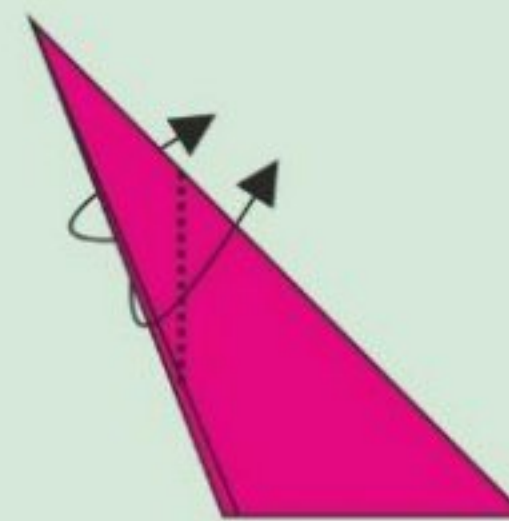
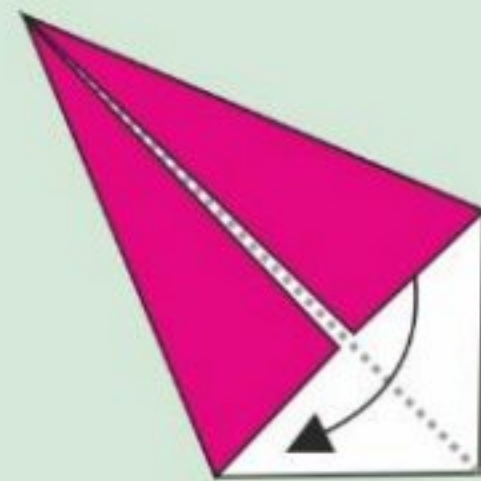
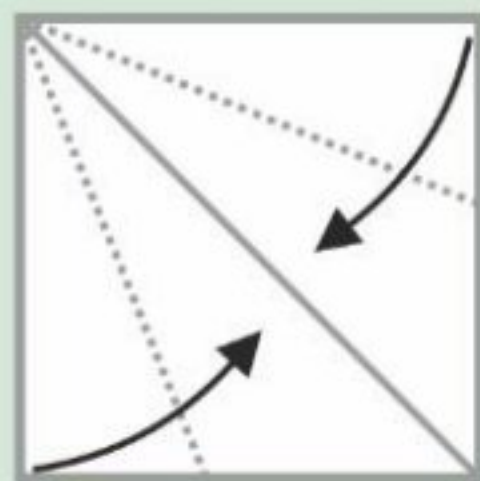
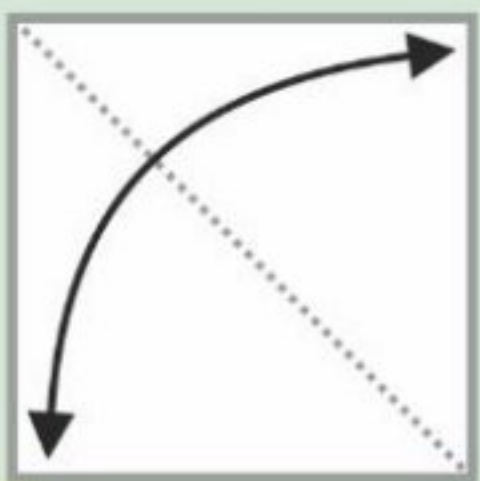
۱- فصل سرما - از چاشنی ها ۲- کمک رسان - اداره کننده مدرسه
۳- اسم ترکی - خدای سنگی - در این فصل از آسمان می بارد
۴- برداشت محصول - نیم صدای زنبور - کوچک ۵- ماه زمستانی
۶- خوب نیست - رمق آخر - کلاه پادشاه ۷- سگ گزنده - یار سوزن -
من و شما ۸- از چهار عمل اصلی در ریاضی - آرزو ۹- بزرگترین عدد
یک رقمی - در این فصل سرد خانه ها را با آن گرم می کنند

عمودی

۱- فراوان - ماه سرد ۲- همراه پدر - پرندگان می خورند
۳- طرف - گشوده - راه کوتاه ۴- از سبزی ها - اندازه عمر - غذای بیمار
۵- باد شدید ۶- اثر رطوبت - مرد نیست - نپخته ۷- خرس - دختر به زبان
کرمانشاهی - نئی در موسیقی ۸- محل بند بازی - امانتدار
۹- از نشانه های سرما خوردگی - راه ماشین رو

طراح جدول: رسول نادری

اورپیگامی

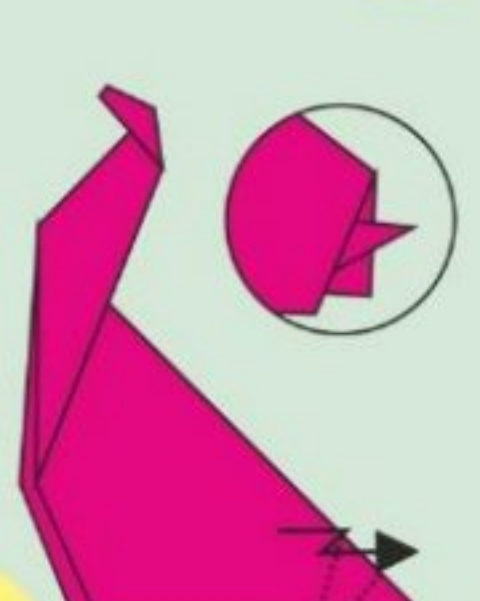


۱

۲

۳

۴



۵

۶

۷

۸

۹



مانیزان، هر روز به حس تازه

